

شبیم مهدی زاده خدایاری

دانشجوی دکترای روابط بین الملل، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران

مرکزی، تهران، ایران. ایمیل: sh.mahdizadehkhodayari@iaui.ac.ir

جلال سخنور

استاد تمام، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. (نویسنده

مسئول)، ایمیل: j-sokhanvar@sbu.ac.ir

بررسی نقش هویت جنسیتی در نمایشنامه های برگزیده دیوید هیر¹

چکیده

این مقاله به بررسی نقش دگرگونی جنسیت در نمایشنامه های تختخواب رویین من و نقشه ی جهان اثر دیوید هیر در چارچوب نظریه ی «اجراگری جنسیت» جودیت باتلر میپردازد. هدف پژوهش این است که مشخص کند آیا آنچه شخصیت های هیر از طریق بدن و گفتمان خود اجرا میکنند، بازتاب ویژگی های ذاتی و درونی آنهاست یا محصول تأثیرات بدن های جنسیت یافته ی آنها بمدد تکرار هنجارهای فرهنگی. بر اساس دیدگاه باتلر، اجراگری جنسیتی به مثابه برساخت اجتماعی، تحت سلطه ی ممنوعیت های تحمیل شده توسط رژیم های قدرت، فهم پذیری فرهنگی سوژه را بازتولید میکند. از سوی دیگر، فرد با جنسیت معین شده متولد نمیشود، بلکه به واسطه ی تکرار فرآیندهای گفتمانی متأثر از هنجارهای فرهنگی جامعه، به سوژه ای تبدیل میشود که جنسیت زن/مرد در بدن او تعریف شده و به مرور زمان شکل میگیرد. تحلیل نمایشنامه های تختخواب رویین من و نقشه ی جهان نشان میدهد که جنسیت های سیال شخصیت های هیر در چارچوب هژمونی فرهنگی، دچار فرازها و فرودهایی میشوند که منجر به بازنمایی بدن هایشان منطبق با هنجارهای اجتماعی میشود. در این راستا، گفتمان های بدنی به شخصیت ها امکان میدهد تا موجودیت اجتماعی معقول و فهم پذیر خود را تثبیت کنند. این در حالیست که امیال ذاتی، بدن ما را به سمت بازنمایی خود به عنوان سوژه ای پیرو واقعیت جنسی مان سوق میدهند، و این بازنمایی ها که به ظاهر ذاتی جلوه میکنند، درواقع تحت تأثیر سازوکارهای گفتمانی و فرهنگی قرار داشته و مسیر اجرای جنسیت را تعیین میکنند.

واژگان کلیدی: گفتمان بدنی؛ واقعیت جنسیتی؛ هویت؛ جنسیت فهم پذیر²؛ اجراگری³

1. David Hare
2. Intelligible Gender
3. Performativity

۱. مقدمه:

دیوید هیر (متولد 1947) یکی از برجسته ترین نویسندگان نسل دوم پس از جنگ جهانی دوم در بریتانیا است. او دانش آموخته کالج جیزز دانشگاه کمبریج زیر نظر ریموند ویلیامز، نظریه پرداز مارکسیست است. هیر در سال ۱۹۶۸ یکی از بنیانگذاران تئاتر چپ گرای تئاتر سیال^۱ و در سال ۱۹۷۳ مؤسس شرکت تئاتر جوینت استاک^۲ بود (Rabey 2003, 236). هیر در دوران فعالیت حرفه ای خود، ایدئولوژی های نسل جوان نویسندگانی را بازتاب داد که تحت تأثیر فضای سیاسی آن زمان، گرایش های سیاسی پیدا کرده بودند. این نمایشنامه نویس بریتانیایی، بیش از سی نمایشنامه و بیش از دوازده فیلمنامه نگاشته است و موفق به دریافت جوایزی همچون بفتا، الیور و خرس طلایی شده است. او در سال ۱۹۹۸ به مقام شوالیه مفتخر شد. در نمایشنامه ی تختخواب رویین من، ویکتور، میلیونری کاریزماتیک و تاجری موفق، از همان آغاز نمایشنامه با حضور پاول پیلو، شاعری الکلی که در حال بهبودی است، به سوی سرخوردگی در زندگی خود سوق داده میشود. پاول که هیچ تجربه ای در زمینه ی تجارت ندارد، به پیشنهاد ویکتور شغلی دریافت میکند. از این رو، ویکتور مرد جوان و ضعیفی به نام پاول را به خانه ی خود دعوت کرده و او را با همسر جذابش، السا، آشنا میکند. السا که پیشتر معتاد به الکل بوده و با کمک ویکتور بهبود یافته است، رابطه ای عاشقانه با پاول آغاز میکند که این رابطه چندان دوام نمییابد و سرشار از ابهام و تردید است. السا و پاول هر دو در جلسات الکلی های گمنام AA شرکت کرده و در یک دوره ی گفتمانی مشابه برای بهبودی قرار دارند. سرانجام، پاول السا را ترک میکند، شرکت ویکتور ورشکست میشود و او در نهایت در سانه ی رانندگی جان خود را از دست میدهد.

در نمایشنامه نقشه ی جهان شخصیتی به نام ویکتور مهتا، رمان نویس راست گرای هندی تبار که در انگلستان تحصیل کرده است، برای شرکت در کنفرانس یونسکو درباره ی فقر جهان سوم به کشورش باز میگردد. استیون اندرو، روزنامه نگار جوان و چپ گرای انگلیسی، در همان هتل در بمبئی با ویکتور ملاقات کرده و این دو درباره ی نقش غرب در کمک به جهان سوم بحث میکنند. قرار است استیون در کنفرانسی که مهتا در آن سخنرانی دارد، شرکت کند. پگی ویتون، زن سفیدپوست اهل جهان اول، یکی از شخصیت های زن این نمایشنامه است که علیرغم داشتن اقتدار اخلاقی، فاقد عاملیت است. پگی با اعمال قدرت بر مردان، خود را به عنوان جایزه ی جنسی به فرد پیروز در مناظره عرضه میکند. این بازیگر زیبا شب گذشته را با ویکتور سپری کرده و معتقد است که چنین روابط جنسی آزادانه ای ابزاری برای توانمندسازی و آزادی زنان است، درحالیکه در واقع، از سوی مردان به مثابه یک شیء نگریسته میشود. استیون از شرکت در مناظره امتناع کرده، هتل را ترک میکند و در همان روز طی یک سانحه ی قطار جان خود را از دست میدهد. در نمایشنامه ی تختخواب رویین من، هیر

1. Portable Theater

2. Joint Stock

اعتیاد را به منزله استعاره ای از هرگونه رفتار اجتماعی به کار میگیرد که فرد را تحت سلطه ی دسته بندی های گفتمانی قرار میدهد. در واقع، کنش های ناسازگار الساء، تجسم بدنی او را نه بر اساس هنجارهای جنسیتی زنانه، بلکه بر اساس آنچه خود مایل به انجام آن است، شکل میدهد. در گفتگو با پاول، الساء نشان میدهد که هر دو به دلیل بازتعریف های گفتمانی مشابهی که در جلسات الکلی های گمنام AA تمرین کرده و کسب کرده اند، تحت سلطه قرار گرفته اند.

این مقاله با بهرمگیری از خوانش باتلر از مفاهیم فوکویی، به فهم جنسیت به مثابه نوعی عملکرد وابسته به بافت اجتماعی میپردازد که در آن بدن ها از طریق زبان و هنجارهای غالب قابل شناسایی می شوند یا طرد می گردند. بر این اساس، نمایشنامه های مورد بررسی نه فقط به عنوان متونی ادبی، بلکه همچون عرصه هایی برای بازنمایی ساختارهای مسلط و مقاومت های ممکن نسبت به آن ها تحلیل می شوند. متن در اینجا فضایی است که در آن بدن، هویت و خواست قدرت درهم تنیده می شوند و مخاطب را به تأمل در مرزهای میان آنچه قابل پذیرش، طبیعی و مشروع تلقی می شود و آنچه طرد یا حذف می گردد، فرامی خواند. حوزه ی فرهنگی فهم پذیری هویت، دلالت بر آن دارد که نقش های جنسیتی به صورت فرهنگی ساخته شده و از طریق تکرار نقل قولهای هنجاری بر افراد تحمیل میشوند. مقاله ی حاضر بر آن است تا با تکیه بر چارچوب نظری جودیت باتلر^۱، به بررسی چگونگی شکل گیری و بازنمایی هویت های جنسیتی در دو نمایشنامه ی تخت خواب روبین من و نقشه ی جهان اثر دیوید هیربردازد. در این تحلیل، جنسیت نه به عنوان امری ذاتی و زیستی، بلکه همچون ساختاری اجتماعی و گفتمانی در نظر گرفته می شود که در بستر زبان، فرهنگ و روابط قدرت تولید و تثبیت می گردد. این پژوهش با تمرکز بر بدن به مثابه عرصه ظهور هنجارها، به دنبال آن است که نشان دهد چگونه کنش های تکرار شونده، رفتارهای نهادینه و اعمال روزمره در تکوین یا به چالش کشیدن هویت جنسیتی نقش دارند. پژوهشگر در ادامه این مقاله به پاسخ این پرسش میپردازد که آیا گفتمان بدنی در سوژه های نمایشنامه های مذکور، اجراگری جنسیتی تعریف شده برای یک سوژه بر اساس دوگانگی زن/مرد است؟ بر این اساس، پرسش های زیر مطرح میشوند:

۱. محدودیت های هنجارهای گفتمانی اجباری/فرهنگی چگونه امکان بازتولید هویت در بدن هایی را که در نمایشنامه های تختخواب روبین من و نقشه ی جهان در جامعه شکل گرفته اند، تحت کنترل قرار میدهند؟

۲. تا چه میزان اجرای گفتمان در نمایشنامه های تختخواب روبین من و نقشه ی جهان، بدنه های افراد را به عنوان ابزاری منفعل به ماده تبدیل میکند؟

۲. پیشینه ی تحقیق:

آثار نویسنده ی مشهور، دیوید هیر را، پژوهشگران و منتقدان بسیاری از دیدگاههای مختلف بررسی کرده اند، با این حال، هیچ کدام از آن ها مبانی این پژوهش را مدنظر قرار نداده اند. دینا پرسدا در مطالعه ی خود با عنوان «دیوید هیر: حمله به سنت انسان گرایی درام اجتماعی»، به ریشه ی این دیدگاه می پردازد که تأثیر بازتاب زندگی است. او بیان می کند که نمایشنامه های هیر تجلی باور او به این اصل هستند که تأثیر باید واقعیت اجتماعی را

بازتاب دهد. تمرکز محوری مقاله‌ی او با پژوهش پیشنهادی پیرامون «مسئله‌ی جنسیت» در آثار هیر که هدف اصلی این مقاله است، متفاوت می‌باشد. «خاطرات انگلستان: هویت بریتانیایی و بلاغت افول در درام پس از جنگ بریتانیا، ۱۹۵۶-۱۹۸۲» عنوان رساله‌ای از آدام دنیل نولز است. او در فصل سوم مقاله‌ی خود برخی از نمایشنامه‌های دیوید هیر را همراه با آثار هاوارد برنتون بررسی می‌کند و به مفهوم «جنگ مردمی» و شکست جناح چپ می‌پردازد. این فصل عمدتاً درباره‌ی همکاری‌های هیر و برنتون و تفاوت دیدگاه‌های آن‌ها در زمینه‌ی سیاست است. نولز توضیح جامعی درباره‌ی «تئاتر پرتابل» و «تئاتر حاشیه‌ای» در اواخر دهه‌ی شصت و هفتاد ارائه می‌دهد و این جنبش‌های نمایشی را برآمده از خشم و اعتراضات جناح چپ جامعه می‌داند.

آدام گروستی در مقاله‌ی خود با عنوان «باعث شد چه احساسی پیدا کنید؟ استفاده از ساختار برای انتقال مضمون» به چالش‌های زیبایی‌شناختی تئاتر سیاسی معاصر می‌پردازد. او دیوید هیر را نمایشنامه‌نویسی می‌داند که می‌کوشد مسئله را از طریق ابداع تکنیک‌های جدید در حوزه‌ی رسانه‌ای حل کند. لوری فیف در مقاله‌ی خود با عنوان «تئاتر سیاسی پس از یازده سپتامبر: عصر نقل‌قول مستقیم، شهادت و آموختن از جهان‌های خیالی»، مفهوم تئاتر نقل‌قول مستقیم^۱ را در نمایشنامه «چنین اتفاق می‌افتد» از دیوید هیر بررسی می‌کند. این نمایشنامه بر اساس رویدادها و شخصیت‌های واقعی همراه با انواع دیگری از شواهد ساخته شده است، که به ساختار قهرمان تراژیک در طرح ارسطویی اشاره می‌کند. بنابراین، این نمایشنامه روایت تاریخی ضروری و مهمی درباره‌ی پیامدهای قدرت در عرصه‌ی جهانی ارائه می‌دهد. این مقاله از نظر موضوع و محتوا شباهت زیادی به مقاله‌ی پیشین آدام گروستی دارد.

رومینا پنا آنیو مقاله‌ای با عنوان «پنجره سققی دیوید هیر: زمانی که سیاست شخصی می‌شود» در مجله‌ی آفرینش هنری و پژوهش ادبی منتشر کرده است. او برای دستیابی به هدف پژوهش، شخصیت کیرا در نمایشنامه‌ی «پنجره سققی» را در تقابل با چهره‌ی مارگارت تاچر تحلیل می‌کند. بنابراین، دیدگاه جامعه‌شناختی سیاسی آنیو نسبت به این نمایشنامه با رویکرد باتلری که هدف اصلی این پژوهش است، تفاوت دارد، اما در بخش تحلیل شخصیت، هر دو پژوهش بازتولید هویت کیرا را از دو منظر متفاوت بررسی میکنند. استیون کواتس در پایان‌نامه‌ی خود با عنوان «ملت بیگانه: نمایشنامه‌های تاریخی دیوید هیر»، هفت نمایشنامه از هیر از جمله «پراودا» را بررسی می‌کند. او به زمینه‌ی اجتماعی-تاریخی بریتانیا پس از جنگ جهانی دوم و نظام سرمایه‌داری-پدرسالاری می‌پردازد که عمدتاً باعث آسیب‌های روان‌شناختی به طبقه‌ی متوسط شده است. کواتس مفاهیم سیاسی کارل مارکس، آنتونیو گرامشی و هربرت مارکوزه را به چالش می‌کشد و آن‌ها را به سرکوب در حوزه‌های مختلف اجتماعی مرتبط می‌سازد. او همچنین تأثیرات مهم رسانه بر جامعه و تنش‌هایی را که اعضای صنعت روزنامه‌نگاری با آن مواجه هستند را بررسی می‌کند. مسأله‌ی اصلی کواتس در این پایان‌نامه، ریاکاری مطبوعات انگلیس و انتشار اخبار کذب برای مردم است.

در رساله‌ی دکتری با عنوان «از خشونت تا مقاومت: نقد هنجارها از دیدگاه جودیت باتلر»، سانا کارهو بررسی می‌کند که چگونه باتلر رابطه‌ی میان هنجارها و خشونت را بر اساس مفهوم نقد و مقاومت نظریه‌پردازی کرده است. اهداف اصلی این رساله، تحلیل چگونگی مفهوم‌سازی پیوند میان استانداردها، خشونت و عدم خشونت

توسط باتلر است. پیامدهای اخلاقی و سیاسی نظریه‌پردازی باتلر درباره‌ی هنجارها، محور دیگر این پژوهش محسوب می‌شود. نویسنده، زمینه‌ی نظری فمینیستی باتلر و برداشت او از عادی‌سازی جنسیت را در اندیشه‌ی مونیک ویتینگ روشن می‌سازد. در نهایت، کاره‌و تمایل عمومی به درک باتلر در مقام یک انسان‌گرای انتقادی را به چالش کشیده و تأکید ویژه‌ای بر تحلیل او از سوگواری در نقد هنجارها دارد.

بر اساس رساله‌ی «چگونه با باتلر کار کنیم: پژوهشی درباره‌ی منشأ، ارجاع و کاربرد نظریه‌ی اجرامندی جودیت باتلر» از سارا کلایس، حجم تصاویر مرد یا زن نرمال از طریق مجلات، تلویزیون و رسانه‌های اجتماعی، معنای آنچه «عادی» تلقی می‌شود را دگرگون کرده است. خوانندگان و بینندگان این تصاویر را به‌عنوان بازنمایی‌هایی از آنچه یک مرد یا زن باید به نظر برسد، مشاهده می‌کنند. دغدغه‌ی اصلی فیلسوف، جودیت باتلر، نیز این است که چه چیزی به‌عنوان «عادی» تعریف و شناخته می‌شود. تمرکز اصلی این رساله تنها بر اجرای جنسیت و کنش‌های بدنی نیست، بلکه بررسی چگونگی فرض وابستگی میان جنس و میل در ماتریس دگرجنس‌گرایی نیز از اهداف اصلی این پژوهش محسوب می‌شود.

پایان‌نامه‌ی امی ماری هاف با عنوان «بررسی برخی مفاهیم منتخب از جودیت باتلر: با کاربرد در درک هویت جنسیتی در کار اجتماعی با نوجوانان زن به حاشیه رانده‌شده»، به این موضوع می‌پردازد که شکل‌گیری هویت در تعامل فرد با محیط پیرامون او رخ می‌دهد. هدف اصلی این پژوهش تحلیل چگونگی ادغام نظریه‌های انتقادی و پس‌اساختارگرایانه در کار اجتماعی است. این پایان‌نامه با استفاده از نقد فمینیستی باتلر و نظریه‌ی هویت جنسیتی، نحوه‌ی مطالعه و بررسی نوجوانان زن طردشده را تحلیل می‌کند. کریستینا بروک در پایان‌نامه‌ی خود با عنوان «تکرارها: بنیان‌های انتقادی بلاغت جودیت باتلر» به بررسی بافت‌ها و سبک‌های نگارش باتلر می‌پردازد. بلاغت باتلر با تلاش برای مقابله با مرزهای فهم اجتماعی و فرهنگی، ادبیات ژورنالیستی و دانشگاهی گسترده‌ای را به خود اختصاص داده است. تمرکز این پژوهش بر چگونگی بیان و بازنگری زبان هگل، فروید، فوکو و لویناس توسط باتلر است. نویسنده همچنین صحنه‌های دوگانه‌ی همانندسازی و انکار را در آثار باتلر تحلیل کرده و به مسائل مربوط به سوژه‌گی انتقادی مدرن می‌پردازد.

رساله‌ی میشل بورینگ با عنوان «رهبری در مرز: جنسیت، جنس و تمایلات جنسی در سازمان‌های بیش‌ازحد جنسیتی‌شده» استدلال می‌کند که ادبیات رهبری به تفاوت‌های میان زنان و مردان توجه اندکی داشته است. چارچوب مفهومی نویسنده برگرفته از نظریه‌ی اجرامندی جنسیت و ماتریس دگرجنس‌گرایی باتلر است. او با ۳۴ رهبر از جنسیت‌ها، هویت‌های جنسی و گرایش‌های جنسی مختلف مصاحبه کرده است. مهم‌ترین یافته‌ی او این است که برای این افراد، بدن آن‌ها نسبت به جنسیت و تمایلات جنسی‌شان در پیشرفت رهبری‌شان در نظام‌های به‌شدت جنسیتی‌شده، اولویت دارد.

در مقاله‌ی جمیما ریو با عنوان «هرکولین باربین و حذف زیست‌سیاست از تبارشناسی جنسیت جودیت باتلر»، نویسنده به بررسی شکل‌گیری نظریه‌ای می‌پردازد که تعامل باتلر با دیدگاه میشل فوکو درباره‌ی هرکولین باربین را تحلیل می‌کند. ریو به جای رویکرد صرفاً جنسیتی، خوانشی زیست‌سیاسی از چگونگی تسلط گفتمان‌های جنس و تمایلات جنسی بر بدن مادی ارائه می‌دهد. به‌تبع آن، پرسش‌های اساسی مطرح می‌کند که به سمت یک

تبارشناسی جنسیت با رویکردی صریحاً فوکویی سوق پیدا می‌کند. این مقاله با هدف شناسایی جنبه‌ی مرکزی «بدن» و «گفتمان» در یک فرد، به تحلیل مفهوم «اجراگری جنسیت» می‌پردازد.

۳. روش شناسی: بررسی مفاهیم کلیدی جودیت باتلر

آثار جودیت باتلر مبنای نظری این پژوهش برای بررسی نمایشنامه‌های هیر قرار گرفته‌اند. پژوهشگر تلاش کرده است تا از مفاهیم اجراگری^۱، جنسیت فهم‌پذیر و گفتمان بدنی باتلر بهره‌گیرد. در کتاب آشفته‌گی جنسیتی^۲ که به تحلیل اندیشه‌های متفکرانی چون فوکو، لاکان، کریستوا و ویتینگ می‌پردازد، باتلر دگرجنس‌گرایی را در نظریه‌ی ادبی فمینیستی نقد کرده و میکوشد تا نشان دهد که چگونه عاداتهای فرهنگی و خشونت آمیز، امکان زیست جنسیتی را محدود می‌کنند. آشفته‌گی جنسیتی در تلاش است تا گفتمان‌هایی را که تابوهای جنسی و جنسیتی نامشروع تلقی می‌کنند را تضعیف کند و تا حد امکان از بین ببرد. باتلر با این دیدگاه که سلسله‌مراتب جنسیتی و دوگانگی زن/مرد شرایط لازم برای هژمونی دگرجنس‌گرایی را فراهم می‌کند، مخالف است. برعکس، او معتقد است که هژمونی دگرجنس‌گرایی و هنجارهای جنسیتی را رژیم‌های قدرت تعیین کرده و به شدت کنترل می‌کنند چراکه ممکن است ظاهرفیزیکی یک سوژه مذکر بوده ولی اجراگری گفتمانی، جنسی و اجتماعی او در چارچوب منطبق با جنسیت پیشفرض او قرار نگیرد، که در اینصورت ممکن است توسط جامعه مورد سرکوب و نکوهش قرار بگیرد. باتلر با الهام از اندیشه‌های میشل فوکو، گفتمان را به مثابه شبکه‌ای از قواعد، نهادها، هنجارها و دانش‌هایی در نظر می‌گیرد که نه تنها بدن، بلکه جنسیت، هویت و روابط قدرت را شکل می‌دهند. به این معنا، گفتمان بدنی نزد باتلر مجموعه‌ای از ساختارهای اجتماعی و فرهنگی است که از طریق آن‌ها بدن، قابل فهم و قابل کنترل می‌گردد. این گفتمان‌ها نه فقط بازنمایی‌کننده‌ی قدرت‌اند، بلکه خود قدرت‌اند؛ چرا که توانایی تولید سوژه‌های جنسیتی را دارا هستند.

از دیدگاه باتلر، «جنس» امری زیست‌شناختی است، درحالی‌که «جنسیت» اکتسابی فرهنگی و شناور است. همانگونه که نفرین گویی^۳ از منظر باتلر نوعی کنش‌گری در گفتار محسوب شده و میتواند هویت، موقعیت اجتماعی، و احساس فردی را شکل دهد، جنس نیز جنسیت فرد را تعیین می‌کند و جنسیت، حوزه‌ی تمایلات، گرایشها، و کنش‌گری جنسی او را شکل می‌دهد. از طرفی، رابطه‌ی گفتگویی که هیر میان شخصیت‌های خود برقرار می‌سازد، بر اساس قدرت و اجراگری آنها قابل شناسایی است. در دو نمایشنامه‌ی مورد بررسی در این مقاله، نفرین گویی کنشی اجرایی است که در خدمت جوامع زبانی محدود قرار دارد و قدرت، سرمایه و جنبه‌های پنهان سرمایه‌داری و تجارت را منتقل می‌کند. زنان هویت‌ها و امیال سرکوب شده‌ی خود را از طریق استفاده از

1. Performativity
2. Gender Trouble
3. Discursive Language
4. Bodies that Matter

همان زبانی که مردان برای خطاب قرار دادن آنها به کار میگیرند، بازتولید میکنند. باتلر کتاب بدن هایی که مهم اند را با شرح تفاوت جنسی آغاز میکند و آن را به عنوان مسئله ای از تفاوت های مادی مطرح میسازد. او بیان میکند که «جنس» هم به مثابه هنجار و هم به عنوان بخشی از یک رویه ی تنظیم کننده عمل میکند که بدن ها را تحت سلطه ی خود میسازد. نیروی تنظیمی این هنجار نوعی قدرت تولیدکننده است که بدن ها را خلق میکند، به گردش درمی آورد، و آنها را از یکدیگر متمایز میسازد. در مقدمه ی کتاب آشفتگی جنسیت، باتلر استدلال میکند که جنسیت نوعی کنش است که به شکل ناخواسته اجرا میشود. او جنسیت را نوعی کنش بداهه در چارچوب محدودیت های اجتماعی میداند. از دیدگاه او، افراد همواره در حال انجام دادن کنشهایی برای دیگری هستند، حتی زمانی که این دیگری خیالی یا فانتزی باشد. تمایز جنس و جنسیت گسستی رادیکال بین بدنهای جنسیت یافته و جنسیت های ساخته شده ی فرهنگی را پیشنهاد میکند. مفهوم جنسیت ساخته شده، نوعی جبرگرایی در معنای جنسیت ارائه میدهد که بر بدنها و کالدهای متفاوت، به عنوان دریافت کنندگان منفعل قوانین سخت فرهنگی، حک میشود. از منظر باتلر، زمانی که فرهنگ، جنسیت را در قالب مجموعه ای از قوانین میسازد، به نظر میرسد که جنسیت از فرمول «زیست شناسی همان سرنوشت است» تبعیت میکند، و در واقع، فرهنگ تبدیل به سرنوشت میشود. سوژه ی جنسیت یافته را همان بدنی تشکیل میدهد که خود نیز ساختاری از پیش تعیین شده است. در نتیجه، بدن ها پیش از نشانه ی جنسیت شان، وجودی قابل شناسایی، فهم پذیر و معقول ندارند (Butler 2001, 12).

باتلر معتقد است که سیمون دوبووار زنان را به عنوان «دیگری» تعیین میکند، در حالی که لوس ایریگاره بر این باور است که هم سوژه و هم دیگری، نقاط اتکای مردانه ای در معنابخشی به امور مردسالارانه هستند، که هدف تمامیت بخش خود را از طریق حذف امر زنانه تحقق میبخشند. باوجود تلاش های باتلر برای اثبات خلاف آن، دوبووار پیشنهاد میکند که ابزار آزادی زنان باید بدن زنانه باشد و او دوگانگی ذهن و بدن و حتی ترکیب این دو را حفظ میکند. در سنت فلسفی ای که با افلاطون آغاز شده و از طریق دکارت، هوسرل و سارتر ادامه مییابد، تمایز وجودشناختی بین ذهن و بدن به خوبی مستند شده است. بدن تحت سلطه ی ذهن قرار دارد و ارتباطات فرهنگی بدن با زنانگی و ذهن با مردانگی پیوند خورده است. باتلر بر این باور است که ساختار گفتاری دوبووار از بدن و تمایز آن از آزادی، در امتداد محور جنسیت تمایز بین ذهن و بدن را به وضوح مشخص نمیکند، زیرا او استدلال میکند که بدن زنانه در گفتار مردسالارانه نشانه گذاری شده است، در حالی که بدن مردانه در همپوشانی با امر کلی همچنان بدون نشانه باقی میماند. فرایند درونی سازی هویت، یک خیال پردازی جانبی است که تبارشناسی خود را پنهان میکند و به مثابه واقعیت طبیعی جلوه میکند. بنابراین، «تبدیل شدن به جنسیت» فرآیندی پیچیده در طبیعی سازی هویت است که مستلزم تمایز لذت های بدنی بر اساس معانی جنسیتی است. امکان ندارد که بدن خیال پردازی شده بر اساس بدن واقعی درک شود، اما میتواند از طریق یک خیال فرهنگی دیگر دریافت شود. از این رو، سطح جنسیت یافته ی بدن به عنوان نشانه ی اساسی یک هویت و میل طبیعی شده ظاهر میشود.

باتلر در کتاب سوژه ی میل^۱ اشاره میکند که بدن سطح حک شده ی رخدادها است. فرض بر این است که تمام فرهنگ بر انکار بدن مبتنی است و چنین حک شدگی ای لحظه ی تنظیم و معنابخشی است. بنابراین، بدن های گوناگون، سطح حک شده ی تاریخ، نژاد و قومیت هستند (Butler 1987, 273). لذا در اندیشه ی باتلر، بدن یک امر پیشینی و طبیعی تلقی نمی شود، بلکه سطحی است که در آن قدرت و گفتمان های اجتماعی و فرهنگی آثار خود را حک می کنند. این دیدگاه بدن را به مثابه محل تلاقی نیروهای زبانی، سیاسی و فرهنگی در نظر می گیرد. محدودیت های تحلیل گفتمانی جنسیت، احتمال و امکان بخشی به پیکربندی های جنسیتی در فرهنگ را شامل میشود. اصطلاحات گفتمان فرهنگی هژمونیک که بر ساختارهای دوگانه جنسیت استوار است، به عنوان عقلانیت عام ظاهر میشوند و مرزهای جنسیتی را تعیین میکنند. بنابراین، محدودیت ها در آنچه زبان به عنوان حوزه ی قابل تصور جنسیت ایجاد میکند، ساخته میشوند. ساخت اجباری جنسیت بر تثبیت کاذب آن در پی قانون مندی و تنظیم جنسیت در چارچوب تولید مثل دگرجنسگرایانه تأثیر میگذارد. کنش مندی در امکان تغییر، در تکرار نهفته است و هنگامی که گفته میشود سوژه شکل میگیرد، به این معناست که این سوژه نتیجه ی گفتمان هایی است که به طور خاص با قواعد خاصی اداره میشوند و هویت را به شکل قابل فهمی احضار میکنند. سوژه توسط قوانینی که آن را تولید میکند تعیین نمیشود، بلکه توسط تکرار مکرر یک فرآیند تنظیم شده تعیین میشود و قوانین خود را دقیقاً از طریق بازتولید آثار آن تحمیل میکند. اجراگری^۲، تکرار مکرر مجموعه ای از هنجارهاست که در نتیجه، وضعیتی شبیه به کنش در زمان حال پیدا میکند. از طرفی، عمل گفتمان اجرایی آنچه را که نشانه گذاری میکند، انجام داده و بازتولید میکند. ظرفیت تولیدی گفتمان، بعدی از تکرارپذیری یا بازصورت بندی فرهنگی است که به مثابه فرایند باز دلالتی عمل میکند.

۴. یافته ها و تحلیل و تجزیه مقالات تختخواب رویین من و نقشه ی جهان اثر دیوید

هیر:

این نمایشنامه ها با بهره گیری از مفاهیم «گفتمان» و «بدن» از دیدگاه جودیت باتلر تحلیل میشوند تا به پرسش های مطرح شده پاسخ دهند. مضمون نمایشنامه تختخواب رویین من گذار از ایمان به سرخوردگی در دوران پس از جنگ تاجری است، چرا که عنوان آن به تصویری از مرگ اشاره دارد. این نمایشنامه از جهتی به کاندیدا اثر جورج برنارد شاو شباهت دارد؛ در هر دو اثر، مردی مسن، موفق و جذاب، مردی جوان تر و آسیب پذیرتر را به زندگی خود وارد میکند. در مثلث عاشقانه ای که شکل میگیرد، مرد جوان تر پیروز میشود. بر اساس دیدگاه باتلر، همه دلالتها در چارچوب تکرار شکل میگیرند. تملک و فرودستی دیالکتیکی دیگری^۳ تاکتیکی است که برای گسترش و عقلانی سازی حوزه ی مردسالارانه به کار گرفته میشود. آنچه ویکتور انجام میدهد، فرودست سازی دیالکتیکی پاول از همان ابتدای دیدارشان است. پاول زمانی به معنادهی و فهم پذیری میرسد که فرصتی برای

1. *Subject of Desire*

اجرای تعاملات اجتماعی به او داده میشود. باتلر در کتاب نیروی عدم خشونت¹ استدلال میکند که افراد برای رسیدن به خودکفایی از وابستگی عبور نمی کنند، بلکه با پذیرش وابستگی متقابل به برابری دست میابند. انواع مختلف قدرت های استعماری میکوشند وابستگی جمعیت مستعمره را برقرار کنند تا اقتدار استعماری خود را حفظ کنند (Butler 2020, 40).

ویکتور از گذشته ی پاول و اعتیادش به الکل آگاه شده و تأکید میکند که گروه های خودیاری AA خواهان اطاعت محض هستند، که به باور او صحیح نیست. او ترجیح میدهد که پاول به جای شرکت در این جلسات، در خلوت خود به درمان اعتیادش بپردازد و تأکید میکند که اگر پاول هرگز اجازه ی نوشیدن نداشته باشد، به معنای درمان واقعی نیست. السا، همسر ویکتور، نیز در گذشته به الکل اعتیاد داشت اما به دلیل احساس بی ارزشی که این جلسات به اعضای خود تلقین میکنند، جلسات AA را ترک کرد. ویکتور زمانی که هنوز با السا دوست بود، درباره ی او چنین توضیح میدهد:

ویکتور: دوستم احساس میکرد که آنها وابستگی او به مواد را با وابستگی به قهوه و اعتراف، یا آنچه شما دایره ی وحشتناک صندلیها مینامید، جایگزین کرده اند. آنها او را —چگونه بگویم؟— در نوعی اضطراب معلق نگه داشته بودند. آنها در او ترسی دائمی از سقوطی بزرگ در آینده القا کرده بودند. او به این نتیجه رسید که هیچ سقوطی نمیتواند به اندازه ی ترس از آن سقوط وحشتناک باشد. برای حفظ و تشدید این ترس، آنها عزت نفس او را از بین میبردند (Hare 2008, 2).

بدن جنسیت یافته ی السا و پاول درون سلسله مراتبی شکل گرفته است که هر دوی آنها به راحتی تسلیم برقراری رابطه ی جنسی ممنوعه شدند. گفتمان های شدید جلسات AA، احساسی از غیرقابل درمان بودن اعتیاد را در هر دو شخصیت معتاد سابق تشدید میکند. بر اساس دیدگاه باتلر، گفتمان فقط به معنای سخن گفتن و یا مکالمه نیست، بلکه به طور خاص به مفاهیم فوکویی گفتمان به عنوان «گروه های بزرگی از گزاره ها» اشاره دارد که نحوه ی سخن گفتن و درک ما از یک دوره ی تاریخی خاص را کنترل میکنند (Salih 2002, 47). بدن خارج از گفتمان های جنسیت یافته ی فهم پذیر نمیتواند وجود داشته باشد، بنابراین هیچ بدنی وجود ندارد که از پیش جنسیت یافته نباشد. ما تنها از طریق گفتمان میتوانیم مادیت بدن را درک کنیم. پیوند عاطفی بین السا و پاول موجب شد که بدن هایشان مستقل از هنجارهای جامعه تسلیم خواسته هایشان شود و به سمت اجرای واقعیت جنسیتی شان برود. پاول، ضعف را عامل بازگشت به مصرف الکل میدانند و اشاره میکند که بدون الکل نمیتواند السا را دوست داشته باشد. درواقع، الکل باعث میشود که شخصیت پاول بطور موقت، جنسیت مشروع و اجراگری گفتمانی خود را که منطبق با هنجارهای اجتماعی است، رها کرده و بر اساس واقعیت جنسیتی جدید خود که کاملاً هنجارهای اجتماعی را در هم میشکند، عمل کند. بدن ساختاری خیالی است که از میل ناشی میشود و میل، بدن و جنسیت فهم پذیر را دگرگون میکند. بنابراین بدن پایدار و ثابت نیست؛ بلکه تحت تأثیر گفتمان و قانون ساخته و بازتولید میشود. جنس و جنسیت فهم پذیر، کنش هایی اجرایی هستند که به صورت اجراگریانه عمل کرده و ظاهراً ثبات بدنی را ایجاد میکنند که مورد پذیرش جامعه و با هنجارهای اجتماعی منطبق باشند (57). سالها

اعتیاد و طرد شدن از سوی جامعه، السا و پاول را تا حد از دست دادن اعتماد به نفس و هویت شان آسیب پذیر کرده است، بطوریکه کنش های بدنی آنها نتیجه ی گفتمانی است که از سر گذرانده و تجربه کرده اند. باتلر تأکید میکند که بدن به مثابه واسطه ی منفعل شناخته میشود که از طریق گفتمان فرهنگی موجود در یک جامعه که به عنوان امری خارجی نسبت به بدن توسط آن بازتولید میشود، شکل میگیرد (Leitch 2001, 2491). بدن پاول نخست توسط ویکتور معنا یافته است که او را به کار گرفته و تلاش کرده است به او اعتماد به نفس بدهد، و سپس توسط السا که او را به رابطه ی جنسی سوق داده است. پاول تصمیم به فرار میگیرد، زیرا اصول و هنجارهای اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی در تضاد با اجراگری او هستند.

انفعال بدن پاول زمانی آشکار میشود که او از لحظه ای که عاشق السا میشود، قادر به کنترل نوشیدن الکل نیست. اخیراً جودیت باتلر به ماتریالیسم تاریخی متوسل شده است تا این دیدگاه که ستم جنسی صرفاً فرهنگی است را به چالش بکشد (Jackson 2001, 283). السا و پاول در یک فرهنگ مشابه و گفتمان بدنی مشترک سهیم هستند که جنسیت فهم پذیر آنها را تعریف کرده و منجر به اجرای اعمال بدنی مشابهی میشود. در تحلیل نقش بدن و جنسیت، پاول در یکی از گفتگوهای حساس میگوید:

اگر میل همیشه قویتر از کنترل باشد، پس من چه هستم جز تکرار همان اشتباه؟ (Hare 2008, 32).

این جمله ساختارگرایانه نشان می دهد که میل و فرآیندهای درونی، برخلاف تصور عمومی، امری ارادی یا ذاتی نیستند بلکه حاصل تکرار اجتماعی هنجارهای فرهنگی مردانه اند. بدن پاول نه به عنوان یک «خودآگاه طبیعی»، بلکه به مثابه بستری برای مکرر همان هویت جنسیتی که او را شکست خورده تعریف می کند، ظاهر می شود. از دیدگاه نظریه ی باتلر، این وضعیت دقیقاً نمونه ای از اجراگری هویتی است؛ جایی که بدن صحنه ای است که گفتمان ها و نیروهای اجتماعی روی آن حک شده و سوژه بازتولید می شود. چنین اجراگری هایی دقیقاً مطابق با آن چیزی است که باتلر درباره ی بدن بیان میدارد: «کنش گران همیشه از پیش بر صحنه هستند، در چارچوب عملکرد اجراگری. همانطور که یک متن نمایشی ممکن است به روش های گوناگون اجرا شود، و همانطور که نمایش به هر دو عنصر متن و تفسیر نیاز دارد، بدن جنسیت یافته نیز نقش خود را در فضایی مادی که از نظر فرهنگی محدود شده است، ایفا میکند و تفسیرهایی را در چارچوب دستورالعمل های از پیش موجود به نمایش میگذارد (Butler 1988, 526). در ادامه ی تحلیل، در صحنه سه، السا بیان می کند:

تو می خواهی من زنی باشم که نجات میدهد، یا زنی که نابودش میکنی؟ در هر صورت من چیزی هستم که تو خلق میکنی (Hare 2008, 45).

با این اظهار، السا نظر صریح خود را درباره ی چگونگی شکل گیری نقش زنانه اش از طریق تصویر مردانه بیان می کند. او نه تنها خود را در برابر این توقع منفعل می بیند، بلکه با آن کاملاً مخالف است. در چارچوب نظریات باتلر، السا نمونه ای از «جنسیت فهم پذیر» است که با اعمال هنجارهای گفتمانی مردانه ساخته می شود؛ اما او این ساختار را آگاهانه زیر سؤال می برد و نشان می دهد که جنسیت فهم پذیر تنها یک تولید فرهنگی است که می توان نسبت به آن مقاومت کرد. این تحلیل می تواند به بررسی قدرت سوژه و نقش زبان در تعریف یا بازتعریف

هویت جنسیتی کمک کند. گفتمان جلسات AA افرادی را شکل داده که نماینده ی نوعی تضمین گفتمانی چندگانه هستند و این امر، امکان عاملیت را به آنها میدهد. اطاعت، اصل اساسی در گفتمان جلسات AA است که هر دو شخصیت، پاول و السا، پس از ترک الکل در آن شرکت میکردند. اجراگری این گفتمان چنان بدن آنها را تحت تأثیر قرار داد که باعث شد هر دو به ویکتور خیانت کنند؛ درحالیکه آنچه تجربه کردند، عشق واقعی نبود، بلکه نوعی عشق به دردسر و آشوب و فرار از گفتمان دیکته شده به آنها بود.

گفتمان و بدن دو پدیده ی متمایز در نمایشنامه نقشه ی جهان هستند که دارای شخصیت هایی است که گفتمانشان بر اجراگری بدن هایشان تأثیر میگذارد. این کمدی درباره ی سیاست جهانی و زندگی خصوصی افراد است. ویکتور مهتا یک رمان نویس هندی است که آداب و رسوم متمایز اروپایی را اجرا میکند. او برای شرکت در کنفرانس فقر سازمان ملل به هند سفر کرده و در هتلی اقامت دارد که پگی ویتون، نوازنده ی آمریکایی ویولن جز، نیز در آن ساکن است. علاوه بر این، یک روزنامه نگار جوان، آرمان گرا و چپ گرا به نام استیون اندروز نیز در مناظرات سازمان ملل شرکت میکند. ویکتور و استیون از نظر سیاسی با یکدیگر تضاد دارند، درحالیکه پگی بدن خود را به هر یک از این دو مرد که در مناظره پیروز شود، پیشنهاد میدهد. اجراگری جنسیت، توهم وجود یک بنیان یا ذات را ایجاد میکند (Jagger 2008, 21). آنچه پگی به عنوان واقعیت جنسیتی خود اجرا میکند، در واقع شکستن هنجارهای قدیمی در مورد وجود اجتماعی بدن و جنسیت معقولش است. فرهنگ و گفتمان آمریکایی، جنسیت فهم پذیر پگی را به گونه ای شکل داده که ارائه ی بدنش به مثابه ابزار جنسی برای مردان، نشانه ای از سلسله مراتب مردسالارانه ای است که او در پی دستیابی به آن است؛ درحالیکه نسبت به فرهنگ انگلیسی و هندی استیون و مهتا، او همواره احساس برتری میکند. باتلر استدلال میکند که «[...] نشان گرهای گفتمانی هویت، مانند نژاد، جنس، قومیت و غیره، به عنوان موادی که جسمانیت واقعی بدن را تشکیل میدهند، نمایان میشوند. در نتیجه، آنچه به نظر میرسد از لحاظ مادی پایه گذاری شده است، در واقع به صورت گفتمانی ساخته شده و بنابراین در حال تغییر است، علیرغم اینکه در ماده ای که ظاهراً تغییرناپذیر است، جای گرفته است» (Wright 2006, 96). مهتا تلاش میکند تا از طریق گفتمان با استیون، سلسله مراتب خود را حفظ کند. او خود را به هیچ وجه یک هندی نمیداند تا جایی که نه تنها از طریق گفتمان مشترک خود با استیون، بلکه برای بدن پگی نیز وارد رقابت با او که انگلیسی است، میشود. در یکی از سکانسهای دراماتیک اولیه، مهتا بیان می‌کند:

آنها میخواهند من از فرهنگی حرف بزنم که دیگر آنها را نمیشناسم. برای آنها به اندازه کافی هندی نیستم. برای تو هم به اندازه کافی غربی نیستم (Hare 1982, 18).

این جمله نشان‌دهنده بحران هویت در مرزهای گفتمانی، متضاد فرهنگ است. بدن او در کشاکش گفتمانهای قدرت قرار دارد و هویت او نه برآمده از یک من ثابت، بلکه محصول فرایندهایی است که در تداخل میان دو نظام فرهنگی شکل می‌گیرد. باتلر اشاره می‌کند که هویت جنسیتی و فرهنگی ثابت نیستند، بلکه نتیجه‌ی تکرارهای اجتماعی‌اند. مهتا به دلیل غرور و تکبری که از احساس قدرت ناشی میشود، تمایلی به صحبت با استیون ندارد. مهتا به عنوان فردی که در هند متولد شده است، در مقیاس بین المللی از کمبود عزت نفس رنج میبرد. حرفه رمان نویسی، او را در فرهنگ انگلیسی منزوی کرده است، اما ارتباطش با قدرتی که سازمان ملل

برایش به ارمغان می آورد، باعث شده است که در کنفرانس احساس برتری اغراق شده ای داشته باشد. از نظر باتلر، نظریه اجراگری و هژمونی جهان شمول هستند. در این زمینه، او بر این نکته تأکید دارد که چگونه جهان اجتماعی در سطوح مختلف کنش های اجتماعی، در ارتباطات تعاملی با قدرت شکل میگیرد و هویت سوژه ها را تعریف میکند (Butler 2000, 14). دیدار مهتا و استیون به عنوان یک کنش اجتماعی مستقیماً تحت تأثیر اقتداری است که مهتا قصد اجرا و تحمیل آن را دارد. همانطور که جودیت باتلر اشاره میکند: «اجرای متفاوت جنسیت میتواند هم به بازتولید و هم به چالش کشیدن نظم جنسیتی منجر شود، زیرا هنجارهای جنسیتی را بی ثبات میکند. این نوع فعالیت، طبیعی بودن دسته بندی های مردانگی و زنانگی را به چالش میکشد، زیرا ارتباط این هویتها با بدن های خاص را بی ثبات میسازد (Pascoe 2007, 151). اجراگری مهتا امری طبیعی و ذاتی نیست، بلکه کاملاً از هژمونی حاصل شده و به طور مداوم تکرار میشود. او تلاش میکند تا در مقام یک رمان نویس، دانش خود را به نمایش بگذارد، اما صرفاً اعمال فردی را آگاهانه تقلید میکند. استیون معتقد است که هر آنچه مهتا بیان میکند، بی ارتباط با موضوع بحث است زیرا او دائماً در حال اجراگری گفتمانی است که منجر به بازتولید هویت او میشود. باتلر اظهار میکند: «[...]گفتمان ها واقعاً در بدنها زندگی میکنند. آنها در بدن ها جای میگیرند؛ در واقع، بدن ها گفتمان ها را به عنوان بخشی از حیات خود حمل میکنند. و هیچکس نمیتواند بدون اینکه به نوعی توسط گفتمان حمل شود، زنده بماند (Meijer 1998, 282). مهتا با اجرای گفتمانی غالب، درنهایت یک هندی سیاهپوست است که به دلیل ملیتش در موقعیت فرودست قرار دارد. او با تحمیل گفتمان خود، سعی دارد برتری بدنش را نیز اعمال کند و از این طریق، احساس حقارت نژادی هندی خود را پنهان سازد.

باتلر بیان میکند: «اینکه خود گفتمان به عنوان بیان مکرر قانون یازدارنده تکثیر میشود، نشان میدهد که قدرت تولیدی آن وابسته به گسست از بستر و قصد اولیه خود است و بازتولید آن تحت کنترل هیچ سوژه خاصی نیست» (Butler 1997, 94). چارچوب های اجتماعی انگلستان جنسیت مهتا را شکل داده اند، زیرا بدن ها تکرار مداوم درک فرهنگی هستند. مرزهای جنسی و ملی ممکن است برای مدتی، فضای گفتمانی خاصی را تعیین کنند؛ بااین حال، آنها به اندازه یکدیگر ثابت نیستند (Butler 2015, 257). با پیروی از مفاهیم باتلری، مشخص است که معنا، فرآیندی از اجراگری است که به تکرار و تداوم وابسته است. تجسم جنسیت فهم پذیری که مورد پذیرش جوامع است، شامل به کارگیری بدن به شیوه های خاص، صحبت کردن و آراستن بدن با انواع خاصی از مصنوعات فرهنگی است (Orr 2012, 19). در این نمایشنامه، شخصیت اصلی زن یعنی پگی، الگوی مثبتی ارائه نمیدهد. واقعیت جنسی بدن او که به عنوان رسانه ای منفعل شناخته میشود، به هر یک از مردان این نمایشنامه عرضه میشود تا از طریق آن، فعالیت یا اجراگری ای را به دست آورد که مبتنی بر فرهنگ است. رفتار پگی نشان دهنده شکل گیری هویت جنسیتی او بر اساس چارچوب های فرهنگی است که در آن بدن زن به عنوان یک شیء جنسی و ابزار رقابت مردانه تعریف میشود. این نمایشنامه تأکید دارد که جنسیت و ملیت به عنوان ساختارهایی گفتمانی، نه ثابت بلکه سیال و قابل تغییر هستند، و بدن ها تحت تأثیر این گفتمان ها به بازتولید معنا می پردازند. «هنجار همان قانون یا قاعده نیست. هنجار در درون رویه های اجتماعی به عنوان استاندارد ضمنی نرمال سازی عمل میکند. اگرچه ممکن است هنجار از نظر تحلیلی از رویه هایی که در آنها نهفته است جدا شود، اما ممکن است در برابر هر تلاشی برای خارج کردن آن از بستر خود مقاومت کند» (Harrison 2010, 32).

عملگرایی شخصیت انحرافی پگی خارج از هنجارهای جامعه پدرسالارانه هند قرار دارد. این در حالیست که مهتا از قدرت خود برای خطاب قراردادن¹ بدن پگی استفاده میکند تا تطابق سیاسی و جنسیتی خود را با هژمونی جامعه انگلیسی اثبات کند. مهتا که متأهل و دارای یک پسر است، در برابر استیون، روزنامه نگار سفیدپوست غربی که مجرد است و احتمالاً پگی را به دست خواهد آورد، حالت تدافعی به خود میگیرد. در صحنه دو پگی این جمله را بیان می‌کند:

من به هیچ هدفی نیاز ندارم، یقه باز لباسم رو دارم و ایجوری جهان رو دگرگون میکنم (Hare 1982, 27).

در این‌جا، پگی بدن زنانه‌اش را به‌عنوان ابزار اجرایی برای مداخله در گفتمان سیاسی معرفی می‌کند. او به‌شکلی طنزآمیز نشان می‌دهد که چگونه گفتمان بدنی می‌تواند هم به‌عنوان ابزاری برای تقویت هنجار غالب عمل کند و هم زمینه‌ای برای بازی با این هنجارها فراهم آورد. از منظر باتلر، چنین اجرای اغراق‌آمیزی از جنسیت فهم‌پذیر می‌تواند هم به بازتولید نظم موجود کمک کند و هم به گسست نسبت به آن منجر شود. بدن پگی به‌عنوان سطحی که گفتمان در آن حک شده، هم رفتار قابل فهم را اجرا می‌کند و هم امکان بازنمایی بدیل را باز می‌گشاید. باتلر تصریح می‌کند که زن بودن، فرآیندی است برای زن شدن، نه تسلیم شدن در برابر یک وضعیت هستی‌شناختی از پیش تعیین شده. زن شدن یک فرآیند پویا و متشکل از تملک، تفسیر و بازتفسیر امکانات فرهنگی دریافت شده است (Butler 1986, 36). بر اساس آنچه پگی از فرهنگ آمریکا دریافت کرده است، او گفتمانی را اجرا و تمرین میکند که خارج از اصول اجتماعی هند قرار دارد. پگی تفاعل زن در چارچوب پدرسالارانه را ویران میکند که این امر منجر به نامفهوم بودن او در چارچوب هنجارهای پذیرفته شده اجتماعی میشود.

هنجارهای اجتماعی به عنوان پدیده‌های روانی عمل میکنند، امیال ذاتی را محدود کرده و شکل میدهند و از طریق محدود کردن حوزه معناداری اجتماعی، شکل‌گیری سوژه را تنظیم میکنند (Butler 1997, 21). رفتار پگی نه تنها چالشی برای ساختارهای سنتی جنسیت و روابط قدرت است، بلکه نشان دهنده توانایی او در فراتر رفتن از هویت‌های تثبیت شده و به چالش کشیدن بازنمایی‌های محدودکننده از زنانگی است. از این منظر، بدن پگی به صحنه‌ای برای منازعات گفتمانی میان هنجارهای پدرسالارانه و اشکال جدیدی از سوژه‌گی تبدیل میشود. «پاسخ‌های ما به محیط‌های اجتماعی در طول زمان بخشی از چیزی است که به عنوان حقایق بدن زیستی شناخته میشود. افزون بر این، چنین مفهومی نشان میدهد که جدا کردن بدن از گفتمان فرهنگی امکان‌پذیر نیست» (Reddy 2004, 118). بنابراین، مهتا صرفاً بازتکرار تقلیدی از محیط اجتماعی انگلستان را اجرا میکند. این اجراگری، توهمی از محدودیت‌های تولیدی طرحواره‌های تنظیم‌کننده جنسیت فهم‌پذیر و همخوان با هنجارهای موجود است. یک سوژه مجبور به تکرار هنجارهای تثبیت شده است و چنین تکراری میتواند زمینه‌ای برای خطر باشد، زیرا اگر فرد نتواند این هنجارها را به درستی بازتولید کند، در معرض تحریم اجتماعی قرار میگیرد و احساس میکند که وجودش تهدید شده است. آنچه مهتا در تلاش برای انجام آن است، با شکست مواجه میشود و او به سوژه‌ای برای انتقاد بدل میشود؛ انتقاد از احساس ناامیدی، افسردگی و انزوایی که تجربه میکند.

1. Interpellate

۵. نتیجه گیری:

اثر واقعی و محسوس جنسیت به صورت اجراگرایانه تولید میشود؛ بنابراین، جنسیت امری از پیش موجود یا ذاتی نیست. شخصیت های نمایشنامه های هیر جنسیت هایی سیال دارند که با مفاهیم باتلری درباره ی تغییرپذیری مستمر جنسیت از طریق اجراگری سازگار است. افزون بر این، محورهای روابط قدرت، هویت شخصیت ها را شکل میدهند. همانطور که عنوان شد، در نمایشنامه تختخواب رویین من، السا، همسر ویکتور، برای درک واقعیت هویتی خویش به شوهرش وابسته است. ویکتور به عنوان یک چهره مردانه مسلط، آنچه را که السا و بعدها پاول در زندگی کم دارند، به آنها میدهد. باین حال، هر دو در پایان نمایشنامه با برقراری رابطه ای خارج از دواج به ویکتور خیانت میکنند. این خیانت ناشی از بدنهای فرودستی است که هر دو شخصیت در نتیجه رژیم های گفتگمانی مشترک در فرقه های الکلی های گمنام AA پذیرفته اند. در نمایشنامه نقشه جهان، استیون، روزنامه نگار انگلیسی، هنگام اقامت در هتل با مهتا و پگی در هند، هنجارهای اجتماعی فرهنگ خود را بازتولید میکند. براساس نظریات باتلر، ما همگی اجراگرانی هستیم که بر مبنای الزامات فرهنگی عمل میکنیم. هر شخصیت براساس مکان تولد و رشد خود عمل میکند، به جز مهتا که کشور محل تولد خود را دست کم میگیرد؛ چراکه در تلاش است تا شخصیتی مردانه از فرهنگ سفیدپوست غربی را تقلید کند. بدن های برساخت شده ی این شخصیت ها تحت تأثیر قوانین فرهنگی سخت گیرانه ای بازتولید شده اند که مبتنی بر هنجارهای جنسیتی، فرهنگی، و زبانی جامعه است. آنچه ما به عنوان ویژگی طبیعی یا ذاتی خود به عنوان واقعیت جنسیتی مان تلقی میکنیم، در واقع یک هنجار فرهنگی است که از طریق تکرار اعمال فیزیکی خاص که به دوگانه ی مذکر/مونث تقسیم میشود، بازتولید شده و درونی سازی^۱ میشود. در نمایشنامه های دیوید هیر، شخصیت هایی وجود دارند که وضعیت اجتماعی و فهم پذیری جنسیتی آنها از هنجارهای موجود فاصله گرفته و هویت های جنسیتی و اجراگری های بدنی جدیدی را بازتولید کرده اند.

در نمایشنامه های مذکور، هویت جنسیتی از طریق انکار فقدان شکل میگیرد که در بدن به عنوان محلی برای حک شدن هنجارها بازتولید میشود. باتلر هویت اصلی بدنی را که جنسیت خود را بر اساس آن شکل میدهد، تقلیدی میداند که بدون منبع یا اصالت یا پیشفرض است، زیرا بدن محل اجرا و بازتولید مجموعه ای از معناها و هنجارهاست. در نتیجه، نمایشنامه های هیر نه تنها فرایند بازتولید هنجارهای اجتماعی را به چالش میکشند، بلکه نشان میدهند که هویت جنسیتی در معرض تغییر دائمی است و تنها از طریق تکرار و اجرا تثبیت میشود. از آنجایی که بدن ها به عنوان دریافت کنندگان منفعل قوانین سخت گیرانه ی فرهنگی تلقی میشوند، سطح جنسیتی شده ی بدن به عنوان نشانه ی ضروری هویتی طبیعی شده و میل جنسی ظاهر میشود، به طوری که بدن به مثابه سطحی است که رویدادها بر آن حک شده اند. از بررسی نمایشنامه های تختخواب رویین من و نقشه جهان میتوان نتیجه گرفت که هویت یک سوژه خارج از گفتگمان های فرهنگی قابل شناسایی و تحقق نیست. ممنوعیت های

اجتماعی الزام آور، شرایط گفتمانی ای را ایجاد میکنند که در آن، فرد تلاش میکند تا تصویری از تعاملات بدنی طبیعی و استاندارد را بسازد. از این منظر، نمایشنامه های دیوید هیر نشان میدهند که هویت‌های جنسیتی و بدنی نه امری ذاتی، بلکه برساخت‌هایی هستند که در اثر تکرار و اجرای هنجارهای فرهنگی شکل میگیرند.

هدف این پژوهش ارزیابی اهمیت ایده های تأثیرگذار جودیت باتلر در مطالعات ادبی بوده است. ایده های او به تفسیر متون داستانهایی کمک میکند که دگرگونی هویت سوژه را از طریق زبان و اجراگری مبتنی بر گفتمان بدنی به تصویر میکشند. نگاهی انتقادی به هنجارهای الزامی که هویت فرد را شکل میدهند، نشان میدهد که این هنجارها ناپایدار و وابسته به شرایط هستند و در نتیجه، این هنجارها قابلیت براندازی و بازمعنپردازی را دارند. هر یک از شخصیت های نمایشنامه های هیر بر اساس نظریه ی اجراگری باتلر از منظر اعمال فیزیکی آنها در ارتباط با هویت، زبان، بدن و گفتمان مورد بررسی قرار گرفتند. شخصیت‌ها در این آثار نمایانگر تقابل‌ها، مقاومت‌ها و گاه تسلیم در برابر این ساختارهای قدرت هستند، و بدین ترتیب موقعیت‌های پیچیده و چندوجهی جنسیت فهم پذیر را به تصویر میکشند. این روند نه تنها ماهیت فرهنگی و اجتماعی هویت را برجسته می‌کند، بلکه نشان می‌دهد که چگونه سوژه‌ها میتوانند از طریق اجرای آگاهانه یا ناخودآگاه هنجارها به بازتولید یا دگرگونی این هویت‌ها بپردازند. از این رو، اهمیت پژوهش حاضر در تأکید بر نقش اجراگری و گفتمان بدنی به عنوان ابزارهایی کلیدی برای فهم واقعیت جنسیتی و ساخت هویت‌های معاصر است. چنین نگاهی، که مبتنی بر نظریات جودیت باتلر است، امکان تحلیل دقیق‌تر و انتقادی‌تر نمایشنامه‌ها را فراهم می‌آورد و فراتر از نگاه‌های ثابت و سنتی به هویت، تصویری پویاتر و منعطف‌تر از فرایندهای شکل‌گیری جنسیت ارائه می‌دهد. بدین ترتیب، این پژوهش نه تنها به غنای مطالعات ادبی و جنسیتی کمک می‌کند، بلکه زمینه‌ای برای بازخوانی و بازاندیشی در مورد نقش بدن و گفتمان را فراهم میکند. یافته ها نشان داد که آنچه ما از طریق تکرار اعمال فیزیکی خود بازتولید میکنیم، امری درونی نیست؛ بنابراین، هیچ چیز در درون ما ذاتی نیست؛ زیرا هژمونی جنسیتی، قلمرو فرهنگی فهم پذیری جنسیتی را کاملاً در بر میگیرد و نمایشی از اجراگری های اجتماعی ما را به قدری عمیق و ناپیدا در ما نهادینه میکند، که همه چیز پیشاگفتمانی و طبیعی بنظر میرسد.

Shabnam Mahdizadeh Khodayari

**Ph. D Student, Department of International Relations, Faculty of Politics,
Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. E-mail:**

Shabnam.mahdizadeh@icloud.com

Jalal Sokhanvar

**Full Professor, Department of English Language and Literature, Shahid
Beheshti University, Tehran, Iran. (Corresponding Author). E-mail: j-
sokhanvar@sbu.ac.ir**

Pre-print Version

An Analysis of the Role of Gender Identity in Selected Plays by David Hare

ABSTRACT

Introduction: This article examines the role of gender transfiguration in David Hare's *My Zinc Bed*, and *A Map of the World* in the light of Judith Butler's theory of Gender Performativity. It investigates whether what Hare's characters performed through their body and discourse were the internal features in them or the hallucinatory effects of their naturalized and gendered bodies. Butler asserts that performativity is a ritualized production and a constrained reiteration of cultural intelligibility under the compulsory prohibition pressed by the power regimes. Based on what Butler asserts, the culture constructs gender, which is understood concerning a set of laws. It seems that gender is as fixed as the biology-is-destiny formulation in which culture, not biology becomes destiny, and

the domain of gendered subjects is constituted by the body which is itself a construction.

Background of the Study: Works of the prolific writer, David Hare, have been studied by many researchers and critics from different points of view, yet, none of them has underlain the tenets of this research. Stephen Coates in his thesis “Alien Nation: David Hare’s History Plays” examines seven plays of Hare, among which *Pravda* exists. He considers the socio-historical background of Britain after the Second World War and capitalist-patriarchal system, which results in psychological damages mostly on the middle class. Coates challenges the political concepts of Karl Marx, Antonio Gramsci, and Herbert Marcuse, relating them to the oppression of different social spheres. Coates studies the significant effects of media on the society as well as the tension that each member of the newspaper industry deal. The hypocrisy of the English press, which propagates false news to the civilians, is the main problem of Coates in his thesis.

Methodology: The theme of *My Zinc Bed* is faith to disillusionment in Thatcherian postwar as the title refers to an image of death. All significations happen in the circulation of the required form of repetition. Obedience is the primary principle in the discourse of AA meetings where both Paul and Elsa used to attend after they quit drinking. The performativity of such a discourse affected their body to the extent that caused both of them to betray Victor while what they experienced was not real love but the love of trouble. In *A Map of the World*, Stephen as an English journalist practices the social norms of his own culture when he stays in the same hotel with Mehta and Peggy in India. Their stylized bodies receive strict cultural laws based on the gender norms of the society. Hence, the bodily discourses gave the agents the feasibility to establish their intelligible social existence.

Conclusion: It can be concluded from *My Zinc Bed* and *A Map of the World* that the agent cannot be known feasible out of the practices of cultural discourse. The AA meetings in *My Zinc Bed* and the years of living in England in *A Map of the World* transfigured the bodily discourse of Elsa, Paul, and Mehta. Attending AA cults caused both Elsa and Paul to reiterate and perform a kind of discourse,

which prohibited them from any kind of addiction. The passive medium of Peggy's body in *A Map of the World* was materialized in the American cultural discourse. Affected by the English cultural discourse, Mehta performed the theatricality of English self-representation, which failed to conform to the Indian naturalized cultural hegemonies thus resulting in his unintelligibility. The socially forcible prohibitions create the discursive conditions in which an individual attempt to constitute a hallucination of naturally standard bodily interactions.

Keywords: Bodily discourse; Gender Reality; Identity; Intelligible Gender; Performativity

Pre-print Version

REFERENCES

1. Bowring, Michèle. 2009. *Learning at the Border: Gender, Sex and Sexuality in the Hypergendered Organizations*. PhD diss., University of Leicester.
2. Brenton, Howard, and David Hare. 1988. *Pravda*. London: Methuen.
3. Brook, Christina. 2010. *Recitations: The Critical Foundations of Judith Butler's Rhetoric*. PhD diss., McMaster University.
4. Butler, Judith. 2001. *Bodies That Matter: On the Discursive Limits of Sex*. London: Taylor and Francis.
5. Butler, Judith, Ernesto Laclau, and Slavoj Žižek. 2000. *Contingency, Hegemony, Universality: Contemporary Dialogues on the Left*. London: Verso.

6. Butler, Judith. 1997. *Excitable Speech: A Politics of the Performative*. New York: Routledge.
- Butler, Judith.
7. Butler, Judith. 2006. *Gender Trouble: Feminism and the Subversion of Identity*. New York: Routledge.
8. Butler, Judith. 1988. "Performative Acts and Gender Construction: An Essay in Phenomenology and Feminist Theory." *Theater Journal* 40 (4): 519–31.
9. Butler, Judith. 2009. "Performativity, Precarity and Sexual Politics." *AIBR* 4 (3): 1–13.
10. Butler, Judith. 1997. *The Psychic Life of Power: Theories in Subjection*. Stanford, CA: Stanford University Press.
11. Butler, Judith. (1986). "Sex and Gender in Simone de Beauvoir's *The Second Sex*." *Yale French Studies* 72 (1): 35–49.
12. Butler, Judith. 1987. *Subject of Desire: Hegelian Reflections in Twentieth-Century France*. New York: Columbia University Press.
13. Butler, Judith. 2020. *The Force of Nonviolence: An Ethico-Political Bind*. London: Verso.
14. Claeys, Sarah. 2006-7. *How to Do Things with Butler: An Inquiry on the Origin, Citation and Application of Judith Butler's Theory of Performativity*. PhD diss., Ghent University.
15. Coates, Stephen. 1989. *Alien Nation: David Hare's History Plays*. PhD diss., University of Canterbury.
16. Fyffe, Laurie. 2010. *Political Theater Post 9/11: The Age of Verbatim, of Testimony, and of Learning from Fictional Worlds*. PhD diss., University of Ottawa.
17. Grossetti, Adam. 2007. *It Made You Feel What? Using Structure to Convey Theme*. PhD diss., University of Queensland.
18. Hare, David. 2008. *David Hare: Plays*. London: Faber and Faber.
19. Hare, David. 1986. *The Asian Plays by David Hare*. London: Faber and Faber.
20. Hare, David. 1995. *Skylight*. London: Faber and Faber.

21. Harrison, K. 2010. *Discursive Skin: Entanglements of Gender, Discourse, and Technology*. PhD diss., Linköping University.
22. Hough, Amie M. 2010. *An Exploration of Selected Concepts from Judith Butler: With Application to the Understanding of Gender Identity in Social Work Practice with Marginalized Female Adolescents*. PhD diss., University of British Columbia.
23. Jackson, Stevi. 2001. "Why a Materialist Feminism Is (Still) Possible and Necessary." *Women's Studies International Forum* 24 (3/4): 283–93.
24. Jagger, G. 2008. *Judith Butler: Sexual Politics, Social Change, and the Power of the Performative*. Abingdon: Routledge.
25. Karhu, Sana. 2017. *From Violence to Resistance: Judith Butler's Critique of Norms*. PhD diss., University of Helsinki.
26. Knowles, Adam Daniel. 2003. *Memories of England: British Identity and the Rhetoric of Decline in Postwar British Drama, 1956-1982*. PhD diss., University of Texas.
27. Leitch, Vincent B. 2001. ed. *The Norton Anthology of Theory and Criticism*. New York: W.W. Norton & Company.
28. Meijer, I. C., and Baukje P. 1998. "How Bodies Come to Matter: An Interview with Judith Butler." *Signs* 23 (2): 275–86.
29. *My Zinc Bed*. 2008. Directed by Anthony Page. Screenplay by David Hare. Performed by Paddy Considine, Jonathan Pryce, and Uma Thurman. New York: HBO Films.
30. Orr, C. E. 2012. *Bodies, Deviancy, and Socio-Political Change: Judith Butler on Intelligibility*. PhD diss., Queen's University.
31. Pascoe, C. J. 2007. *Dude, You're a Fag: Masculinity and Sexuality in High School*. Berkeley: University of California Press.
32. Peña Anllo, Romina. 2013. "David Hare's Skylight: When the Political Becomes Personal." *Journal of Artistic Creation and Literary Research* 1 (2): 50–61.
33. Presada, Diana. 2007. *David Hare: Attacking the Humanist Tradition of Social Drama*. PhD diss., University of Ploiesti.
34. Rabey, David Ian. 2003. *English Drama Since 1940*. London: Longman.

35. Reddy, V. 2004. "Interview with Judith Butler." *Agenda: Empowering Women for Gender Equity* 2 (1): 115–23.
36. Salih, Sara. 2002. *Judith Butler*. Abingdon: Routledge.
37. Selden, R., Peter Widdowson, and Peter Brooker. 2005. *A Reader's Guide to Contemporary Literary Theory*. 5th ed. Harlow: Longman.
38. Wright, M. W. 2006. *Disposable Women and Other Myths of Global Capitalism*. New York: Routledge.

Pre-print Version